

داستان واقعی در پشت جنگ طلبی امریکا

نویسنده: جان پیلگر
برگرفته از: www.carlton.com
برگردان: فاطمه لیلازی

از روز یازدهم سپتامبر جنگی که توسط آمریکا بر علیه تروریسم آغاز گشته دستاویزی برای کشورهای ثروتمند دنیا جهت گسترش حاکمیت بر اداره دنیا فراهم آورده است. با ترویج «ترس و احترام»، همانطور که یکی از روزنامه نگاران واشنگتن پست بیان کرد، آمریکا مصمم است هر گونه مقاومتی را در مقابل قدرت نامطمئن خود را از میان بردارد، یک حسن تعبیر برای تصرف گسترنده بازار و منابع طبیعی توسط هشت کشور ثروتمند جهان (G8).

این مطلب و نه شکار مردی در غارهای افغانستان، هدف اصلی پنهان در پشت تهدیدهای «دیک چنی» معاون اول رئیس جمهوری ایالات متحده به «۴۰ تا ۵۰ کشور» است. موضوع کمتر کاری با تروریسم دارد و بیشتر به منظور پشتیبانی از بخشهایی است که «Globalisation» را تقویت می کنند. امروزه ارزش معاملات بین المللی در حدود ۱۱/۵ بلیون پاوند می باشد که از این مقدار سهم بسیار کوچکی حدود ۰/۴ درصد به فقیرترین کشورهای دنیا تعلق دارد. آمریکایی ها و بزرگان G8 هفتاد درصد بازار را کنترل می کنند و با توجه به قوانین محدود کننده موجود گمرکی در کشورهای فقیر در مقابل چشمپوشی های محافظت کننده موجود در غرب، کشورهای فقیر روزانه ۱/۳ بلیون دلار در این تجارت از دست می دهند.

در هر مقیاسی، موضوع جنگ بین فقیر و غنی است. نگاهی به آمار تلفات بیاندازید. به گفته انستیتوی جهانی اطلاع رسانی، آمار فوق پیش از ۱۳ میلیون کودک در سال است و این عدد بر اساس آمار سازمان ملل سالانه ۱۲ میلیون کودک زیر ۵ سال می باشد. «مایکل مک کینلی» نوشت: «با در نظر گرفتن اینکه ۱۰۰ میلیون نفر در جنگ های رسمی کشته شده اند چرا ارجحیتی برای آنان در مقایسه با مرگ و میر سالانه کودکان، که نتیجه برنامه های ساختاری تطبیقی اعمال شده از سال ۱۹۸۲ است، قائل می شوند؟»

رساله مک کینلی «تریاز، تحقیقی در باره عدم برابری به عنوان منطقهء مخاصمه»، که امسال در یک کنفرانس در شیکاگو ارائه شد ارزش آنرا دارد که به صورت وسیعتری مورد مطالعه قرار گیرد (نامبرده در دانشگاه ملی استرالیا تدریس می کند: michael.mckinely@anu.edu.au). این مقاله به روشنی شتاب گرفتن قدرت اقتصادی غرب را در دوره کلینتون توصیف می کند، که از یازدهم سپتامبر از آستانه خطر آفرینی برای میلیونها انسان در گذشته است.

گردهمایی سازمان تجارت جهانی در ماه گذشته در دوحه در قطر مصیبتی برای اکثریت نوع بشر بود. کشورهای ثروتمند یک «دور جدید» در «آزادسازی معاملات» که در واقع تامین کننده قدرت تاثیر گذاری در اقتصاد کشورهای فقیر است را درخواست کرده و به دست آوردند؛ درخواست خصوصی سازی و حذف سرویس دهی عمومی. تنها این کشورها مجاز هستند تا صنایع داخلی و کشاورزی خود را محافظت کنند، فقط آنها حق دارند تا از کمکهای مالی برای صادرات گوشت، غلات و شکر بهره مند شوند و سپس با سرریز کردن این محصولات در کشورهای فقیر با قیمت هایی به صورت غیر واقعی ارزان، سبب نابودی زندگی میلیونها انسان شوند. واندانا شیوا، یک طرفدار حفظ محیط زیست، می گوید در هند خودکشی در میان کشاورزان فقیر پدیده ای فراگیر است.

حتی پیش از وقوع نشست سازمان جهانی WTO، نماینده تجارت آمریکا «رابرت زولیک» طرفداری خود را از «جنگ علیه تروریسم» اعلام کرد تا هشدار می باشد به جهان در حال توسعه که هیچ مقاومت جدی در برابر برنامه تجارت آمریکا بی ها تحمل نخواهد شد. وی گفت: «ایالت متحده به رهبری جهانی سیستم عملکرد باز متعهد شده است و به خوبی تشخیص می دهد که اتفاق موقتی کنونی ما (علیه تروریسم) تکیه بر رشد اقتصادی دارد ...». رمز اصلی این است که «رشد اقتصادی» (برگزیدگی ثروتمند، اکثریت فقیر) با آنتی - تروریسم برابر است.

«مارک کورتیس»، مورخ و ریاست سیاستگذاری های «سازمان کمکهای مسیحیان»، که در کنفرانس دوحه شرکت داشت چیزی به نام «الگوی شکل گیرنده تهدید و ارباب کشورهای فقیر» را توصیف کرده است که منتهی به «دیپلوماسی ناوکشی اقتصادی» شده است. او گفت: «موضوع بی نهایت خارج از قاعده بود. کشورهای ثروتمند از توان خود برای کنترل کشورهای فقیر بهره برداری کردند. مسئله ایجاد شرکتهای چند ملیتی ناشی از فقدان سرمایه حتی در برنامه وجود نداشت؛ این نشست مانند کنفرانسی در خصوص مالاریا بود که در آن سخنی از پشه مالاریا نمی شود.»

نمایندگان کشورهای فقیر از این شکایت داشتند که به حذف تعداد محدود گزینه های تجاری مورد نظرشان تهدید شده اند. یک نماینده آفریقایی می گوید: «اگر من خیلی محکم از حق مردم خودم دفاع کنم، آمریکا به وزیر (مربوطه) من تلفن خواهد زد. آنها خواهند گفت که من مایه شرمساری ایالات متحده هستم. دولت من حتی بدون سوال «مگر وی چه گفته است؟» بلیطی برای من خواهند فرستاد ... بنابراین من از ترس ناراحت کردن ارباب حرف نمی زنم.»

یک نماینده رسمی ایالات متحده با دولت اوگاندا تماس گرفت و برکناری سفیر آن کشور، ناتان ایرومبا، را خواستار شد. ایرومبا به عنوان مسئول کمیته گسترش تجارت در WTO از ناقدان

برنامه «آزادسازی» بوده است. دکتر «ریچارد برنال» اذعان داشت دولت وی زیر فشارهای مشابهی قرار گرفته است. وی گفت: «ما احساس میکنیم که نشست WTO کوچکترین ارتباطی با جنگ بر علیه تروریسم ندارد. با این همه به ما القا می‌شود که اگر ما با دور جدید آزادسازی معیارها موافقت نکنیم نقش بازدارنده‌ای در نجات اقتصاد جهانی بازی می‌کنیم.»

هائیتی و جمهوری دومینیکن تهدید شده‌اند که در صورتی که به مخالفت با تحصیل این خواسته‌ها ادامه دهند، اولویتهای ویژه تجاری آنان با ایالات متحده ملغی خواهد گردید، تعبیری دیگر برای برتری جویی مؤثر با استفاده از الویتهای عمومی دولتها. وزیر صنایع و بازرگانی هند، مورا سولی ماران، خشمگین گفت: «کل مطلب آشکارا تشریفاتی بیش نیست و ما بر خلاف اراده خود به انجام آن وادار می‌شویم... WTO یک دولت نیست و نباید در اختصاص دادن چیزی به خود تلاش کند که بر اساس قانون در حیطه اختیارات دولت‌های ملی و پارلمانهاست.»

این کنفرانس نشان داد که WTO به یک دولت جهانی بدل گشته است که توسط ثروتمندان (عمدتا واشنگتن) اداره می‌شود. علی‌رغم وجود ۱۴۲ عضو تنها ۲۱ دولت خطوط سیاست کلی را ترسیم می‌کنند، که بزرگترین سهم آن توسط «مربع» ایالات متحده، اروپا، کانادا و ژاپن است. در دوحه نماینده انگلیسی نقشی مشابه تونی بلر در ترویج «جنگ علیه تروریسم» بازی کرد. دبیر ایالات متحده در امور تجارت و صنایع، پاتریشیا هویت، از ابتدا گفته است: «از یازدهم سپتامبر شرایط برای آزاد سازی‌های تجاری تقویت شده است». بر اساس گفته «سازمان کمک‌های مسیحیان»، نماینده انگلیس در دوحه به وضوح فاصله عمیق موجود بین سخنان فصیح خود در خصوص کارایی معادلات تجاری به نفع فقرا و منظور واقعی گفته‌هایش را به تصویر کشاند.

بلاغت سیاسی تخصص اصلی «کلر شورت»، دبیر توسعه بین‌المللی است، که تفوق خود را با اعلام تخصیص ۲۰ میلیون پوند به عنوان «نشانه‌ای از اندازه‌هایی جدید» در کمک به کشورهای فقیر نشان داد. در واقع این سومین بار در یک سال است که به این مبلغ اشاره می‌شود. در ماه دسامبر سال ۲۰۰۰ «شورت» گفت که دولت «پشتیبانی خود را از پیش‌تازان تقویت امور تجاری در کشورهای در حال توسعه از ۱۵ میلیون پوند در طول سه سال گذشته به ۳۰ میلیون پوند در سه سال آتی افزایش خواهد داد». در ماه مارچ این مبلغ عینا اعلام گردید. «شورت» در مصاحبه با بخش خبری خود گفت: «اعلام خواهد شد که بریتانیا حمایت خود را... از عملکرد تجاری کشورهای در حال توسعه دو برابر خواهد کرد». در هفتم نوامبر مبلغ ۲۰ میلیون پوند مجددا اعلام گردید. علاوه بر این، یک سوم این موضوع در واقع به تغذیه یک «دوره» جدید WTO مربوط است.

این مشخصه عمومی جهانی کردن فلاکت است، نامی واقعی برای «آزادسازی». در حقیقت، عنوان دبیر توسعه بین‌المللی برای «شورت»، به همان اندازه مانند یک مضحکه «جرج اورول» است که

نتیجه‌گیری اخلاقی «تونی بلر» در خصوص بمباران‌ها. «شورت» باتوجه به نقشی که به عنوان یک حامی مهم درجنگ قلبی بر علیه تروریسم بازی کرده‌است اینگونه ارزش یادآوری یافته‌است.

در نظری سطحی، وی آن الماس سخت است که آنچه در ذهن دارد را در سرمقاله‌ها مطرح می‌سازد: و این از جهاتی درست است. به منظور توجیه حمایت خود از بمباران غیرقانونی یوگسلاوی، وی مخالفان آن را به مدافعان نازی تشبیه کرد. از آن تاریخ وی اعضای آژانس مددکاری پاکستان که خواستار ایجاد وقفه در بمباران‌ها بودند را به احساساتی بودن متهم کرده و صلاحیت آنان را مورد تردید قرار داده‌است. اومدعی شده‌است که امدادسانی در حال انجام است در حالیکه در واقع، قسمت ناچیزی از آن در جایی که بیشترین نیاز را دارد توزیع می‌شود.

در حدود ۷۰۰ تن (کمکهای امدادی) روزانه به داخل خاک افغانستان حمل می‌شود، یعنی کمتر از نصف آنچه بر طبق گفته سازمان ملل لازم است. شش میلیون انسان همچنان در معرض خطر قرار دارند. کوچکترین کمکی به مناطق نزدیک به جلال آباد نمی‌رسد، منطقه‌ای که بر طبق گفته فرماندهان نظامی مخالف طالبان که شروع به درخواست آتش‌بس از واشنگتن نموده‌اند، آمریکایی‌ها در آن در حال بمباران و کشتن اهالی غیرنظامی بین ۶۰ تا ۳۰۰ نفر در هر شب هستند. در خصوص این کشتارها همچون کشتار غیرنظامیان در یوگسلاوی، «شورت» سخن سرا خاموشی اختیار کرده‌است.

سکوت وی و حمایتش از بسیج سرکوبگرانه ۲۱ میلیون پائندی آمریکا جهت تطمیع و منکوب کردن کشورهای فقیر تا مرحله تسلیم کامل، چهره ریاکارانه، شعار «اقتصاد جهانی به عنوان تنها راه حل برای کمک به کشورهای فقیر» را که به کرات توسط او گفته شده‌است، آشکار می‌سازد. سیاست‌های جنگ طلبانه کنونی موجود شامل حال همه است ولی به صورتی روشنفرانه و اخلاقی تغییر یافته‌است تا گسترش وحشیانه سیاستگذاری‌های اقتصادی را که جامعه انسانی را به صورتی جدید و بی سابقه تقسیم کرده‌است، طبیعی جلوه دهد. همانطور که «توماس فریدمن» آشکارا در «نیویورک تایمز» نوشت، «دست پنهان» در صحنه بازار، نیروی نظامی ایالات متحده است.

این روزها در خصوص «بهره‌وری فقیر از سود کارکرد غنی» به عنوان «تولید کننده ثروت» برای جوامع فقیرچندان سخنی به میان نمی‌آید، چرا که این ایده آشکارا اشتباهی بیش نیست. حتی بانک جهانی که «شورت» از گردانندگان آن است، پذیرفته که کشورهای فقیر تحت قیومیت آن در شرایط بدتری نسبت به ده سال پیش قرار دارند، که فقر افزونی یافته‌است و مردم در سنین جوانتری می‌میرند. و اینها کشورهایی هستند که «برنامه‌های ساختاری تطبیقی» به هدف

«تولید ثروت» در آنها پیاده شده اند. این همه سراپا دروغی بیش نبود.

در هنگام ارائه گزارش در حضور کمیته انتخابی مجلس عوام، «کلر شورت» از ایالات متحده به عنوان «تنها قدرت بزرگ جهان (که) قریب است تا به جهان پشت کند» یاد کرد. برانگیختگی وی مستحق پاداش است. بریتانیا فقط ۰/۳۴ درصد درآمد ملی ناخالص خود، یعنی کمتر از نصف حداقل مبلغ سرشکن شده توسط سازمان ملل را به کمک اختصاص می دهد.

زمان آن فرار سیده است که ما فقر را به عنوان تروریسم حقیقی شناسایی کنیم، آنچه روزانه مسبب مرگ هزاران نفر بوده و سرمنشاء رنج کشیدن مردم بی گناه در دهکده های غبار آلوده مستقیماً به آن مربوط است.

نویسنده: جان پیلگر (<http://pilger.carlton.com/>) (John Pilger)

زیر نویس:

۱. Triage: یا تریاژ، فرایندی جهت درجه بندی بر اساس اهمیت و یا اولویت
۲. Trickle Down: یا بهره‌وری فقیر از سود کارکرد غنی، نظریه اقتصادی که بر اساس آن سود حاصل از سرمایه‌گذاری ثروتمندان نهایتاً در اختیار سرمایه‌گذاران خرده‌پا قرار می‌گیرد
۳. New Round in Liberalization: دور جدیدی در آزادسازی
۴. Globalization: جهانی کردن
۵. World Trade Organisation (WTO): سازمان تجارت جهانی
۶. Christian Aids: سازمان کمک‌های مسیحیان
۷. Gross National Products (GNP): درآمد ناخالص ملی
۸. World Resourse Institute: مؤسسه اطلاع‌رسانی جهانی
۹. Australian National University: دانشگاه ملی استرالیا